



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مالکیت معنوی

تاریخ: ۹ مهر ۱۴۰۴

مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۴۷

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه پنجم: تعریف و مختصات مالکیت معنوی - تعریف برگزیده -

مختصات مالکیت معنوی - ۱. در حقوق مالی - ۲. در حقوق معنوی - برخی مصادیق مالکیت معنوی - نیکویی اندیشه، زیبایی باطنی

جلسه: ۶

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تعریف برگزیده

در مقدمه پنجم از مقدمات بحث، سخن درباره تعریف مالکیت معنوی و مختصات آن بود. بخش اول را در جلسه گذشته بیان کردیم؛ محصل بخش اول که مربوط به تعریف مالکیت معنوی است، این شد که مالکیت معنوی عبارت از یک اضافه و نسبت خاص بین شخص پدیدآورنده اثر با خود اثر است که به موجب آن، شخص مذکور از تمامی حقوق مربوطه بهره‌مند می‌شود. عرض کردیم مالکیت که گاهی با عنوان حق مالکیت از آن یاد می‌شود، برخلاف نظر برخی از حقوقدانان تنها به بُعد اقتصادی این مسئله توجه ندارد. وقتی می‌گوییم مالکیت، یعنی همین اضافه و نسبت اعتباری بین یک اثر با پدیدآورنده آن اثر. تعبیر معنوی هم یک تعبیر عامی است که اشاره به موضوع این مالکیت دارد، نه اینکه فقط به بهره‌های معنوی عنایت داشته باشد. موضوع این مالکیت، اموری است که نه عین محسوب می‌شوند و نه منفعت. مجموعه‌ای از امور که شاید بخش اعظم آن خلاقیت‌های فکری، ابتکارات، اختراعات و امثال آن باشد. وقتی کسی اثری را خلق می‌کند یا چیزی را کشف می‌کند یا چیزی را اختراع می‌کند، یا در یک موضوعی ابتکار از خود نشان می‌دهد، با آن یک شیء یک نسبت پیدا می‌کند که این نسبت منشأ یک سری حقوق برای او می‌شود. این حقوق هم مادی است، یعنی موجب بهره‌های اقتصادی برای شخص می‌شود، مثل سایر حقوق مالی؛ همه اعیان و منافع عین، در زیرمجموعه جنبه اقتصادی و بهره اقتصادی قرار می‌گیرد. گاهی این بهره، بهره معنوی است؛ وقتی می‌گوییم بهره معنوی، یعنی حقوقی که مادی نیستند و حق مالی محسوب نمی‌شوند؛ نه به یک عین تعلق گرفته‌اند و نه به منفعت آن. مثلاً فارغ از بحث ما، حق قصاص، حق طلاق، حق ولایت، حق اختصاص، اینها اموری است که حق مالی به شمار نمی‌آید و حق معنوی هستند، اما در عین حال قابلیت اخذ مال و مقابله با مال را دارند.

یک سری حقوق هم که بعضاً از آنها تعبیر می‌شود به حق اخلاقی، که نه به عین و منفعت متعلق می‌شود و نه از جمله حقوقی است که نام بردیم. مثلاً حق انتساب یک اثر به پدیدآورنده آن، یا حق تمامیت اثر، اینها چه بسا حقوق اخلاقی شمرده شوند؛ وقتی ما می‌گوییم مالکیت معنوی، یعنی هرگونه تصرف در آن شیء برای پدیدآورنده اثر ثابت است، به گونه‌ای که او را از تمامی حقوق مادی و معنوی بهره‌مند می‌سازد. به این معنا، حقوق معنوی شامل حقوق اخلاقی هم می‌شود؛ این مقصود ماست. حالا نزاع‌ها و اختلافات در اصطلاح، در عنوان (که در جلسه گذشته یک اشاره اجمالی به آن داشتیم) مورد نظر ما نیست. ما گفتیم در میان همه این عناوین، به نظر ما فی الجمله عنوان مالکیت معنوی رجحان دارد و قلمرو آن را از حیث اینکه چه محدوده‌ای موضوع بحث است را هم تعیین کردیم. حالا ممکن است کسی اشکال کند که این عنوان از جهاتی وافی به مقصود

نیست؛ مثلاً فلان شیء را شامل می‌شود و فلان چیز را شامل نمی‌شود. اما صرف نظر از عنوان، ادعای ما این است که درباره این موضوع می‌خواهیم بحث کنیم؛ موضوعی که هم همه مصادیق را علی‌رغم تنوع بسیار آن شامل شود و هم ابعاد مختلف را در بر بگیرد. این دو جهت برای جامعیت تعریف لازم است؛ مصادیق متنوع و ابعاد گوناگون، چه مادی و چه معنوی و چه اخلاقی (بنابر اینکه معنوی را شامل اخلاقی ندانیم). پس تعریف مالکیت معنوی معلوم شد.

مختصات مالکیت معنوی

مالکیت معنوی که شامل آفرینش‌های فکری می‌شود، چند ویژگی دارد است. این ویژگی‌ها در دو دسته قابل تقسیم است.

۱. در حقوق مالی

در یک دسته که ما می‌توانیم به عنوان حقوق مالی از آن یاد کنیم، چند ویژگی وجود دارد که بدان اشاره خواهیم کرد؛ ولی فی‌الجمله همانطور که در سایر مالکیت‌های مادی، مالکیت بر عین و مالکیت بر منفعت، قابلیت نقل و انتقال وجود دارد، اینجا هم قابلیت نقل و انتقال هست. یک خانه قابل انتقال به دیگری است، در قالب بیع و صلح و هبه و هر یک از عقود شرعیه. این امور هم قابلیت انتقال به غیر دارند؛ کسی می‌تواند اثر و ابتکار و اختراع و تألیف خودش را و حقی که بدین سبب برای او پدید آمده را به دیگری منتقل کند. اسباب انتقال هم دو گونه است: یا قهری است یا اختیاری. انتقال قهری مثل ارث؛ یک خانه یا زمین به ارث می‌رسد. این امور هم می‌تواند به ارث برسد. یک خانه یا زمین یا منفعت آنها با وصیت می‌تواند به دیگری منتقل شود؛ این امور هم قابلیت انتقال در قالب وصیت را دارند. یا سایر عقود شرعیه، مثل بیع، صلح و هبه؛ این امور هم می‌تواند بدین ترتیب به دیگری منتقل شود.

۱. ویژگی اول که جنبه اثباتی دارد، محدودیت به حسب زمان است. منظور از جنبه اثباتی چیست؟ یعنی آنچه که در قانون پیش‌بینی شده به عنوان زمان قابلیت انتقال. این یک شرط اثباتی است. به حسب مقام ثبوت و واقع، هیچ محدودیتی نباید باشد. سؤال این است که کسی که می‌خواهد خانه‌اش را بفروشد، محدودیت زمانی برای انتقال دارد؟ نه؛ تا زمانی که این عین باقی است، می‌تواند خانه را به دیگری منتقل کند. اثر هم همینطور است؛ اگر ما مالکیت را نسبت به این قبیل امور پذیرفتیم، دیگر به حسب واقع محدودیتی نباید باشد. مثلاً کسی یک اختراعی داشته است؛ این اختراع مملوک مخترع محسوب شده و می‌تواند هر نوع تصرفی در آن داشته باشد و آن را به دیگری منتقل کند، تا زمانی که سالبه به انتفاء موضوع نشده است. پس به حسب مقام ثبوت، هیچ محدودیتی نیست؛ اما به حسب مقام اثبات، یعنی قانونی که تصویب می‌کنند، این محدودیت وجود دارد. در کشورهای مختلف محدودیت‌های زمانی گوناگونی قرار داده‌اند؛ مثلاً در ایران حمایت از منافع اقتصادی و مادی آفریننده یک اثر مثل کتاب یا آثار ادبی و هنری تا سی سال بعد از انتشار اثر در صورتی که اثر مربوط به یک شخص حقوقی باشد، قرار داده‌اند. یک شرکت یا مؤسسه‌ای، یک اثری را ایجاد و خلق و منتشر کرده است؛ تا سی سال بعد از انتشار، این حقوق برای او ثابت است. در مورد اشخاص حقیقی قانون گذاشته‌اند که تا سی سال بعد از فوت پدیدآورنده اثر، این حمایت وجود دارد؛ یعنی مثلاً بعد از سی سال از فوت پدیدآورنده اثر، اگر کسی این کتاب را منتشر کند یا استفاده‌ای از آن کند، دیگر مورد حمایت قانون نیست. به همین جهت ما گفتیم این محدودیت زمانی به حسب مقام اثبات است؛ ولی ثبوتاً به نظر ما هیچ محدودیت زمانی وجود ندارد.

پس ویژگی اول مربوط به حقوق ناشی از مالکیت‌های معنوی، محدودیت‌های زمانی بیان شده به وسیله قانون است، و الا هیچ

فرقی با سایر مالکیت‌ها ندارد. این محدودیت زمانی گاهی در مورد تألیف و کتاب یک عددی دارد، اما در مورد اختراعات عدد دیگری دارد؛ مثلاً در مورد اختراعات از پنج سال تا بیست سال است. اینطور نیست که زمان حقوق ناشی از مالکیت‌های معنوی در همه موارد و در همه کشورها یکسان باشد؛ حتی کشور به کشور قانون‌ها فرق می‌کند.

۲. ویژگی دوم، محدودیت مکانی است؛ یعنی در مورد آثاری که به عنوان امور معنوی یا فکری معرفی می‌شوند، این حقوق در محدوده سرزمینی مؤلف و پدیدآورنده اثر ثابت است؛ یعنی قلمرو جغرافیایی کشوری که صاحب اثر در آن زندگی می‌کند. اگر فرض بفرمایید در ایران کسی از اتباع سایر کشورها حضور داشته باشد و اثری را تألیف کرده باشد، به حسب قانون حمایتی از او نمی‌شود؛ مگر اینکه قراردادی بین این کشور و کشور متبوع آن شخص در این زمینه منعقد شده باشد، یا مثلاً آن کشور عضو سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با این موضوع باشد، مثل سازمان جهانی مالکیت معنوی. آنجا قوانین و مقرراتی وجود دارد که کشورها را مجبور می‌کنند به رعایت آن مقررات. به همین جهت وقتی می‌گوییم محدودیت مکانی، این هم به حسب مقام اثبات است نه مقام ثبوت؛ چون به حسب مقام ثبوت هم مثل مسئله زمان فرقی وجود ندارد. ممکن است ارزش اعیان و منافع در مکان‌های مختلف متفاوت باشد، ولی کسی که مالک یک عین یا مالک منفعت است، هیچ محدودیت مکانی برای او نیست. این امور هم همینطور است؛ ولی به حسب مقام اثبات، تابع مقررات و قوانین مصوب است. قانونی گذاشته‌اند که تا چه زمانی این محدودیت هست، عمده مسئله محدودیت‌های زمانی و مکانی است که مربوط به مقام اثبات است.

۲. در حقوق معنوی

در مقابل حقوق مالی، حقوق غیرمالی یا معنوی هم وجود دارد؛ اینکه مثلاً کسی که یک اثری را پدید می‌آورد، یک حق اخلاقی نسبت به او وجود دارد و پدید می‌آید، آن هم حق بزرگداشت، تکریم، پاسداری و مراقبت از شخصیت صاحب اثر؛ اینها نه محدودیت زمانی دارد و نه محدودیت مکانی. انتساب این اثر به صاحب اثر، یک حق اخلاقی است که هیچ محدودیت زمانی و مکانی ندارد. کسی نمی‌تواند یک اثری را به خودش منتسب کند؛ این محدودیت ندارد إلى بقاء الدنيا. رمزارز معروف بیت‌کوین چند سال است که وارد عرصه مبادلات شده است؛ مخترع آن هنوز معلوم نیست که چه کسی است؛ اجمالاً و آن هم نه با قاطعیت و بلکه با یک تردید نسبی، می‌گویند یک شخص ژاپنی در بیست - سی سال پیش، بیت‌کوین را اختراع کرده است. بعد از آن، چندین نفر ادعا کرده‌اند که آن شخص ما هستیم؛ چون هیچ کسی او را ندیده، اسم و عکس او اصلاً معلوم نیست. اثر را به خودشان منتسب کرده‌اند، ولی چون نتوانسته‌اند اثبات کنند، محکوم شده‌اند؛ اصطلاحاً می‌گویند این یک حق اخلاقی است. ما گفتیم این را جزء همان حقوق معنوی قرار می‌دهیم؛ معنوی که می‌گوییم، عام است و شامل این هم می‌شود. این محدودیت زمانی ندارد؛ دویست سال بعد هم کسی نمی‌تواند این کار را بکند.

پس حقوق معنوی به طور کلی، نه محدودیت به حسب زمان دارد و نه محدودیت به حسب مکان. مالکیت معنوی همان است که عرض کردم که قابلیت انتقال دارد و انواع و اقسام انتقال اعم از قهری و اختیاری در مورد آن متصور است. با یک بیان دیگر هم می‌توانیم این را ادعا کنیم که مالکیت معنوی و مادی، به حسب قاعده با هم تفاوتی ندارند الا آن مواردی که ناشی از خود موضوع اینهاست؛ این عمده‌ترین ویژگی مالکیت معنوی است.

سؤال:

استاد: ما نمی‌گوییم متفاوت از آن است؛ می‌گوییم مالکیت معنوی همانند مالکیت مادی قابلیت انتقال دارد؛ لذا این جمله آخر را عرض کردم که به طور کلی فرقی بین مالکیت مادی و معنوی به حسب قاعده نیست؛ هیچ فرقی بین آنها وجود ندارد. شما همانطور که در مورد مالکیت‌های مادی هر تصرفی را می‌توانید داشته باشید، اینجا هم همینطور است و فرقی نمی‌کند.

برخی مصادیق مالکیت معنوی

در جلسه گذشته هم اشاره کردم که مالکیت معنوی مصادیق بسیار متنوع دارد؛ من فقط به عنوان نمونه چند مورد را عرض می‌کنم. چون همین مصادیق هم محل بحث است؛ فهرست آنچه که در کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی ذکر شده را برای شما می‌خوانم. می‌گوید مالکیت معنوی شامل حقوق مرتبط با این موارد است:

۱. آثار ادبی، هنری و علمی؛

۲. نمایش‌های هنرمندان بازیگر و صدای ضبط شده، برنامه‌های رادیویی؛

۳. اختراعات در کلیه زمینه‌های فعالیت انسان؛

۴. کشفیات علمی؛

۵. طراحی‌های صنعتی، علائم تجاری، علائم خدماتی، نام‌های تجاری و عناوین؛

۶. حمایت در برابر رقابت نامطلوب و سایر حقوقی که ناشی از فعالیت فکری در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری می‌باشد. الان در اینجا اشاره‌ای به نرم‌افزارهایی که شخصی آنها را تولید می‌کند، نشده است؛ ولی وقتی می‌گوید کشفیات علمی یا اختراعات در کلیه زمینه‌های فعالیت انسان، این یک عنوان عامی است که همه اینها را در برمی‌گیرد. این دامنه بسیار وسیعی دارد و بسیار متنوع است. لکن برای اینکه اینها را دسته‌بندی کنند، شاخه‌هایی قرار داده‌اند که ما آن را ذکر می‌کنیم. مخصوصاً این را هم توجه بفرمایید که آنچه که به عنوان مصداق برای حقوق معنوی ذکر شده، یعنی آنچه تاکنون استقراء شده، و الا از این به بعد ممکن است خیلی چیزهای دیگری هم پیش بیاید که اینها مصداق حقوق معنوی شوند؛ چه اینکه از ابتدا شاید یک حق معنوی بیشتر نبوده و آن هم حق تألیف؛ این دیرینه‌ترین حق معنوی است که قبل از میلاد هم در یونان و روم باستان سابقه دارد؛ هر چه جلوتر آمدیم، چیزهای جدیدی پیدا شده و دامنه آن وسعت پیدا کرده است.

نیکویی اندیشه، زیبایی باطنی

امروز روز ولادت امام حسن عسکری (ع)؛ از باب تیمن و تبرک، یک روایت می‌خوانم. امام عسکری (ع) می‌فرماید: «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالُ ظَاهِرٍ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالُ بَاطِنٍ»^۱؛ زیبایی و حسن صورت و چهره و ظاهر، زیبایی ظاهری است؛ اما حسن العقل و نیکویی تفکر، خوبی اندیشه، زیبایی باطنی است؛ آن است که پایدار است، آن است که پیر نمی‌شود، آن است که به انسان منزلت و جایگاه می‌دهد. شما نگاه کنید که بسیاری از کسانی که حسن عقل داشتند ولو از جمال ظاهری هم بهره‌ای نداشتند، اما همه آنها مورد احترام و توجه بودند و هستند. جمال ظاهری موقت است، اما جمال باطنی پایدار است؛ جمال ظاهری به سرعت انسان را دل‌زده می‌کند اما جمال باطنی روز به روز بر شیفستگی انسان می‌افزاید. به فرموده امام عسکری (ع) که یکی از دو نوع جمال، ظاهری و دیگری باطنی است، معلوم است که کدام ترجیح دارد؛ البته حسن جمال یک نعمت الهی

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۵.

است ولی مهم‌تر از حسن جمال، حسن عقل است؛ این بالاتر است و این چیزی است که ما باید به آن بیشتر توجه کنیم. هر چه انسان تلاش بیشتری کند، سن او بالاتر برود، می‌تواند جمال عقل را در خودش تقویت کند؛ اما سن انسان که بالا برود و پیری به سراغ انسان بیاید، این جمال ظاهری را نمی‌توان کاری کرد؛ انسان هزاران راه از این راه‌هایی که متأسفانه خیلی شیوع کرده دنبال کند، باز هم فایده‌ای ندارد. خدا به ما توفیق برخورداری از جمال باطنی را عنایت بفرماید.

«والحمد لله رب العالمین»